

گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی (گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی)

دکتر محمد سالار کسرای^۱ - مریم طهماسبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۸

چکیده:

نظام جمهوری اسلامی متشکل از دو گفتمان است که به فراخور شرایط یکی از آنها به عنوان گفتمان مسلط و دیگری در حاشیه قرار می‌گیرد. در این گفتمان‌ها مناقشاتی در مورد هویت زن وجود دارد. معانی که این واژه به خود گرفته به نوع خاصی از گفتمان بستگی دارد که به آن ماهیت و هستی می‌بخشد. مقاله حاضر توصیفی بر شناخت مسائل زنان از دریچه نگاه تولید کنندگان گفتمان اصلاح طلبی و سنت‌گرایی فقهی است. سوال مورد بررسی عبارت است از اینکه مسئله زن در گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی چگونه بیان شده است؟ این مقاله بر آن است تا با استفاده از امکانات مفهومی گفتمان این مساله مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مسائل زنان، گفتمان، گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی

- رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، عضو هیات علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
Mohammadsalar-kasraie@yahoo.com

- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرج
mtahmasebi_30@yahoo.com

مقدمه

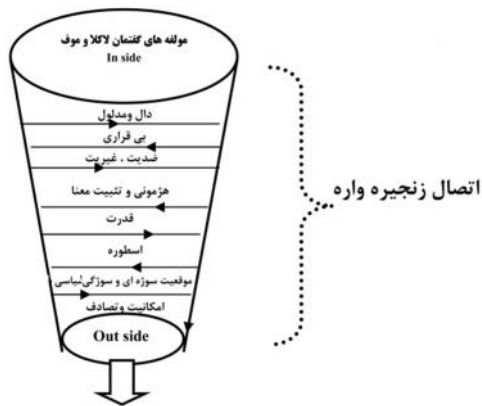
تاریخ تحولات اجتماعی ایران در ادوار مختلف نشان می‌دهد که مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی همواره با موانعی مواجه بوده است. تحولات سه دهه اخیر به ویژه با افزایش چشمگیر سطح آگاهی‌ها و افزایش میزان تحصیلات زنان نشان می‌دهد که زنان ایرانی خواهان مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی برابر با مردان هستند و با این رویکرد فرهنگ مردسالاری را با چالش‌های جدی مواجه ساخته‌اند. در برخی از مقاطع تاریخی زنان فرصتی برای بروز استعدادها و خود یافته‌اند یکی از این مقاطع انقلاب اسلامی ایران است. در دوره منتهی به انقلاب اسلامی کنش اعتراض‌آمیز زنان معطوف به حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بوده و خواست‌های آنان با خواست‌های مردان تجمیع شده و تمایزها و تفاوت‌های قابل توجهی در خواست‌های کلی مشاهده نمی‌شد. پس از انقلاب اسلامی حوزه‌های مختلف (اجتماعی، سیاسی فرهنگی، اقتصادی) جامعه ایران دگرگون شد و این مسئله تأثیرات فراوانی بر روی افشار اجتماعی جامعه ایران بالاخص زنان نهاد. بنابراین به تاسی از تحولات صورت گرفته در چند دهه اخیر ما شاهد شکل‌گیری گفتمان‌های مختلفی در خصوص زنان هستیم. هدف مقاله حاضر ارائه تصویری توصیفی از محتوای گزاره‌های است که در هر گفتمان نسبت به زنان مطرح شده و از سوی دیگر از طریق بکارگیری مفاهیم گفتمان نسبت به بازشناسی محتوای این گزاره‌ها پرداخته شده است.

مبانی نظری و روش شناسی

نظریه تحلیل گفتمان ابتدا در علم زبان‌شناسی و در دهه ۱۹۵۰ متولد شد و اولین بار توسط زلیگ هریس به کار برده شد. تحلیل گفتمان از نظر هریس عبارت از: تحلیل متن بالاتر از جمله (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۸) گفتمان همیشه در حال گفتگو، دیالوگ و در تعارض با مواضع دیگر است و مبارزه ایدئولوژیک بنیان ساختار گفتمان را تشکیل می‌دهد. (میلر، ۱۳۸۲: ۲۲) به عقیده پشو گفتمان‌ها به هیچ‌وجه جنبه مسالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه

ندارد بلکه از دل تضادها برخوردارها با یکدیگر سر بر می‌آورند و بسط و گسترش می‌یابند و به همین خاطر هر نوع استفاده از واژه‌ها و عبارات در گفتار و نوشتار دارای بعدی سیاسی است. گفتمان جریان اجتماعی است، اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آنها بستگی به این نکته دارند که کی، کجا و چگونه توسط چه کسی، علیه چه چیزی یا چه کسی صورت گرفته‌اند. به عبارت دیگر بستر زمانی، مکانی مورد استفاده و سوژه‌های استفاده کننده هر مطلب، گزاره و قضیه تعیین کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان است. (مک-دائل، ۱۳۷۹: ۵۴) گفتمان‌ها قدرت را تولید می‌کنند، گسترش می‌دهند، تقویت می‌کنند، و تیشه به ریشه آن می‌زنند و امکان خنثی کردن آن را فراهم می‌کنند. (foucault, 1997, p.27) گفتمان مقوله یا جریانی اجتماعی که بر فرآیندهای اجتماعی تاکید دارد و مولد معناست یعنی از درون گفتمان‌های متفاوت جهان متفاوت دیده می‌شود. از نظر لاکلا و موف گفتمان تنها دریچه شناخت انسان به سوی جهان است از این منظر هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم است که در قالب گفتمانی خاص قرار بگیرند. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶) از جمله ویژگی‌های گفتمان از منظر این دو متفکر عبارتند از: ۱. مبارزه بر سر خلق معنا ۲. نزاع و تقابل میان گفتمان‌ها ۳. عدم تثبیت کامل گفتمان‌ها و مرکزیت‌زدایی (Jorgensen and Philips 2002, p.42) ۴. عدم تمایز میان کنش‌های گفتمانی و غیرگفتمانی (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۸) ۵. گفتمان کلیتی ارتباطی، بازسازی معنا به طور دائم ۶. گفتمان کل زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد و قابلیت فوق‌العاده در تبیین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۵) لاکلا و موف برای تبیین نظریه خود مفاهیم متعدد و پیچیده و چند وجهی را به کار گرفته‌اند که فهم نظریه آنان نیازمند فهم و شناخت این مفاهیم است. عناصر متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند هویت نوینی را کسب می‌کنند. ویژگی مفاهیم یاد شده آن است که به صورت زنجیره‌وار به یکدیگر مرتبط‌اند لاکلا و

موف برای ربط دادن و جوش دادن این عناصر به یکدیگر از مفهوم مفصل‌بندی سود می‌جویند. (هوارث، ۱۳۸۲: ۱۵۸)



شکل ۲. مولفه های گفتمان لاکلا و موفه

با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان کل آن گفتمان هژمونیک می‌شود در واقع تثبیت موقت هویت‌ها اصلی‌ترین کار ویژه هژمونی در گفتمان است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۳) به عبارت بهتر دستیابی به هژمونی که غایت یک گفتمان به شمار می‌رود به کمک تثبیت معنا امکان‌پذیر خواهد بود. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۴) در شکل زیر مثلث گفتمان ترسیم شده است.



شکل ۳. روش تحلیل گفتمان

با توجه به وقوع تحولات مختلف بعد از انقلاب میان نیروهای انقلابی، گفتمان انقلاب اسلامی خود به دو دسته عمده تقسیم می‌شود دسته‌ای که در ایجاد، ترکیب میان سنت

و مدرنیزاسیون نقش محوری و عمده را به سنت اعطا می‌کنند و مدرنیته را براساس آن مورد تحلیل قرار می‌دهند و دسته‌ای دیگر که در ترکیب مذکور نقش عمده را به آموزه‌های مدرنیته داده و از این منظر به نقد سنت می‌نشینند.

گفتمان اصلاح‌طلبی

گفتمان اصلاح‌طلبی پس از پیروزی انقلاب با پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ توانست به مدت هشت سال هژمونی خود را با بکارگیری مفاهیم به حاشیه رانده شده تجددگرایی (به طور موقت) تثبیت نماید. گفتمان اصلاح‌طلبی تلاش نمود آن بخش از اسلام را برجسته کند که با تجددگرایی سازگاری بیشتری دارد به عبارت دیگر اسلام و مدرنیته را دو مقوله مخالف با هم و در تضاد با یکدیگر معرفی نمی‌کند. معنای اصلاحات در برجسته‌سازی تجدد و حاشیه‌رانی سنت نهفته است (ماشینی، ۱۳۸۷: ۴۴) فضای استعاری حاکم بر اصلاحات تقاضایش اصلاح وضع موجود بود. به عبارت دیگر جنبش‌سازی دوم خرداد جنبش وارد کردن حاشیه در متن بود (تاجیک، ۱۳۷۹: ۹۵) به این معنا که تفاسیری که از سوی اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶ بیان شد منجر به آفرینش نظام معنای جدیدی شد و با استفاده از مفاهیم نوین مفصل‌بندی گفتمانی صورت گرفت هدف این گفتمان ایجاد تغییرات ساختاری و فرهنگی در راستای تحقق برابری جنسیتی بود. (ماشینی، ۱۳۸۷: ۴۴) به عبارت دیگر تلاش برای ساختار شکنی رویکردهای پدرسالارانه، فمینیستی و ارائه قرائتی نو که منطبق با موازین اسلام و شرع باشد.

آنان می‌خواهند دال مرکزی گفتمان رقیب را ساختار شکنی نموده و آنگاه تعبیر پدرسالارانه و اقتدارگرایانه را از متن به حاشیه برانند. دیدگاه تواناسازی در پی وارد کردن موضوع جنسیت در بطن تمام نهادها و نظام‌های فکری ارزشی جامعه است. تواناسازی

¹- Nodal point

²-Deconstyuction

عبارت است از نوعی بیداری انتقادی درباره ساختار تبعیض‌ها، استخدام‌ها و اطاعت-هاست. (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۸۱) هدف در تواناسازی مطمئن کردن زنان برای دسترسی به یک مشارکت کامل در روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی است. این رویکرد زنان را آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت، سرمایه‌های ارزشمند برای رشد اقتصادی در نظر نمی‌گیرد بلکه با هدف قراردادن نیازهای استراتژیک زنان و ارتقای آگاهی زنان و مردان نسبت به نابرابری جنسیتی، راهکار اصلی را تجهیز زنان و مردان برای مشارکت در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌داند و به رفع نگرش‌های تبعیض‌آمیز و تبعیض برانگیز تاکید دارد. (کمیتة حمایت از روزنامه‌نگاران و نویسندگان زن، ۱۳۸۱: ۲۶)

این گفتمان با بکارگیری مفاهیمی چون نفی مرد سالاری، برابری، شایسته سالاری، جامعه مدنی، نواندیشی دینی، سوار بر مفصل‌بندی گفتمان اصلاح طلبی شد. مفصل-بندی جدید حول تواناسازی زنان با هدف جنسیت زدایی از ارکان مختلف جامعه شکل گرفت که دال‌های مطرح شده در یک نظام معنای ویژه را به هم مرتبط می‌سازد. از جمله مهمترین شاخصه‌های دیدگاه اصلاح‌گرایان نسبت به زن عبارت است: ۱. پذیرش تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان ۲. تحکیم و تقویت خانواده (ایجاد تعادل بین نقش خانوادگی و اجتماعی) ۳. تاکید بر اخلاقیات و نفی تقابل و تضاد بین زن و مرد ۴. عدالت و برابری میان زن و مرد ۵. رهای از شکاف و نابرابری. طرفداران این گرایش، هم نظریه جنسی (sexuality) و هم نظریه جنسیت (Gender) را می‌پذیرند. یعنی در عین حالیکه نظریه جنسی را می‌پذیرند معتقدند که تاریخ جوامع بشری در تعیین و تضعیف نقش زنان و جامعه‌پذیری آنها بسیار موثر بوده در نتیجه بسیاری از ارزش‌ها، مناسبات و مکانیسم‌های موجود در روابط اجتماعی ناشی از سلطه نظام مردسالاری است و هیچ ربطی به غایت کمال ندارد. (مهریزی، ۱۳۷۷: ۴۴) جنسیت سالاری را ساختارشکنی باید نمود و شایسته سالاری، تواناسازی زنان باید به هژمونی برتر در عرصه مدیریت کلان کشور تبدیل گردد. (خاتمی، ۱۳۸۷: ۵۶) طرفداران این گرایش خانواده را رکن اساسی جامعه می‌دانند اما خانواده سالم خانواده‌ای است که موجبات رشد و تعالی کلیه اعضای

¹- Critical awerness

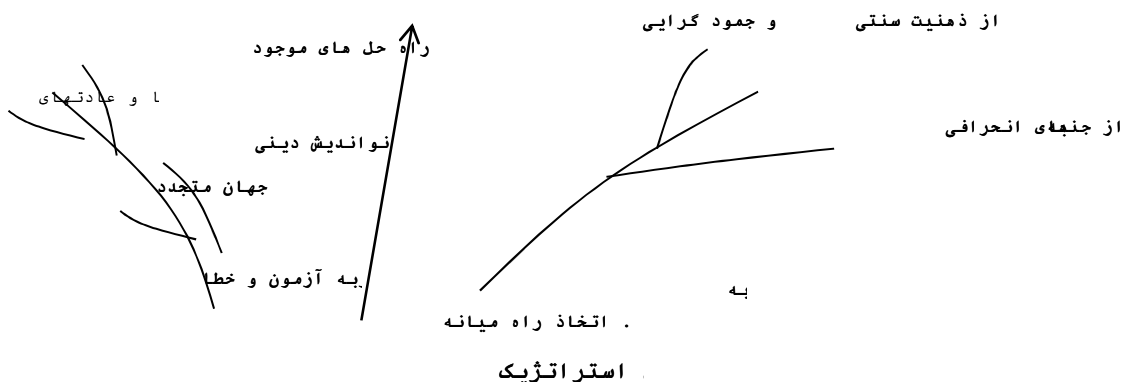
آن را تامین کند نه آنکه موجب تقویت عضوی به بهای تضعیف عضوی دیگر گردد.
(مصفا، ۱۳۸۰: ۱۹)

<p>۱. رشد زنان در عرصه اجتماع در عین استحکام خانواده ۲. برقراری پیوند میان خانواده و جامعه ۳. حفظ وظیفه مادری و خانوادگی زنان شاغل ۴. حضور زنان خانه دار در فرایند رشد همه جانبه ۵. لزوم حل پارادوکس در تجربه جدید</p>	<p>هدف غایی</p>
<p>۱. زمینه‌سازی برای ایجاد امکانات ۲. رفع موانع رشد زنان ۳. استحکام خانواده ۴. جلوگیری از به حاشیه رانده شدن زنان خانه‌دار ۵. کاهش فشار مضاعف بر زنان کارمند ۶. حضور زنان خانه‌دار در عرصه های اجتماعی ۷. استحکام مدیریت زنان در خانواده</p>	<p>هدف اختصاصی</p>
<p>۱. ایجاد تعادل بین نقش خانگی و اجتماعی ۲. رفع موانع رشد ۳. ایجاد گفتمان پارادوکس ۴. گسترش اجتماعات و نهادهای مدنی</p>	<p>روش‌های اجرا</p>
<p>۱. مشارکت زنان در احزاب و نهادهای مدنی ۲. مشارکت افراد خانواده در امور خانه ۳. پرورش مدیریت زنان در نهادهای مدنی ۴. تأثیرگذاری به روند تصمیم‌گیری از طریق نهادهای مدنی</p>	<p>فعالیت‌ها</p>

جدول شماره ۱: اهداف تعادل میان نقش اجتماعی و خانوادگی زنان

مسائل زنان در حرکت به سوی آینده نیازمند عبور از دو واقعیت است. واقعیت اول: ذهنیت سنتی دیدگاهی است که نسبت به زن در طول تاریخ پدید آمده و گاه رنگ دین

به خود گرفته و زنان را از بسیاری از حقوق انسانی محروم نموده و گاه سنت‌های غلط جنبه ملی ارزشی پیدا کرده است. (خاتمی، اختتامیه کنگره بین‌المللی، ۱۳۷۹/۹/۸) در راستای حل این مسئله، این گفتمان برنقش زمان و مکان در فهم مسائل و موضوعات تاکید دارد، آنان تحول در احکام فقهی را با استناد به پویای فقه و تحول پذیر بودن آن ممکن می‌دانند. (تشکری، ۱۳۸۱:۳۹) واقعیت دیگر واقعیت جهان متجدد است امروز زن در دنیای متجدد موقعیت جدیدی به دست آورده تمدن غرب دستاوردهای مثبتی برای همه بشر از جمله برای زنان داشته است. (لعلی، ۱۳۷۸:۷۰) آنان دستاوردهای زن غربی را به دو دسته مفید و مضر تقسیم‌بندی نموده و آن بخش از دستاوردهای زنان غرب را که همگرا با بنیان ساختار فرهنگی اجتماعی ایران است و موجب رشد، توسعه و تعالی جامعه زنان ایرانی می‌گردد را می‌پذیرند. (ناجی‌راد، ۱۳۸۲:۱۲۹) در شکل زیر این وضعیت مشاهده می‌شود.



آنان بر این باورند که نمی‌توان برای کلیه زنان جهان که دارای شرایط زیست محیطی مختلفی هستند الگوی خاصی را تجویز کرد به عبارت بهتر با گزینش نظریه‌ها و برداشت‌های قابل ارزش بومی و با اتکاء به عناصر فرهنگی جامعه خود برای زنان سیاست‌گذاری‌های مطلوب انجام داد. (ناجی‌راد، ۱۳۸۲:۱۲۹) پدرسالاری انباشته شده در طول تاریخ اجتماعی ایران فرهنگ مسلط و بلامنازعه بوده است این فرهنگ هم بسترساز و

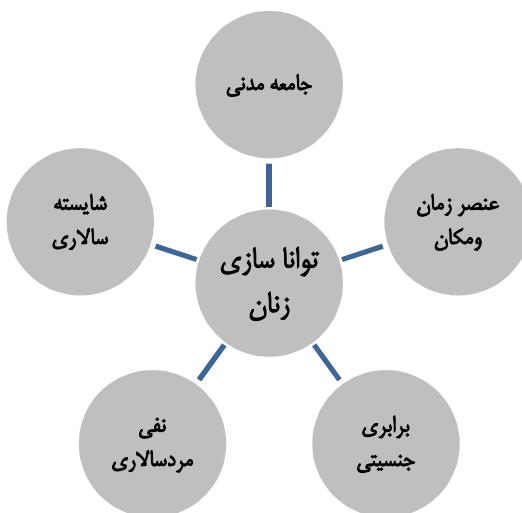
هم سازنده ساختارها بوده، این ساختارها مکانیسم‌هایی را تدوین کرده‌اند که در فرایند القاء و باز تولید خود فرادستی مردان و فرودستی زنان راطبیعی جلوه می‌دهند. (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۴۳) این نگاه مردسالارانه ملاک فضیلت را مرد بودن می‌داند. فرهنگ مردسالاری با تقسیم کار و محول نمودن انجام امور خانه به زنان عدم فرصت مشارکت را برای زنان فراهم آورده و به تدریج به صورت یک نهاد ذهنی درآمده که مطابق با آن الگوی رفتاری متناسب با همان ارزش‌ها را به زنان ارائه می‌دهد. منزوی کردن زنان در خانه جهت خدمتگزاری به شوهر و فرزند، نمونه‌هایی از آن است که می‌تواند آسیب‌های دیگری را در خود بپروراند. (فریدمن، ۱۳۸۱: ۲۶) (در این گفتمان آنچه ساختارشکنی می‌گردد تعابیر پدرسالارانه است)

پدرسالاری ذاتی در خانواده‌ها از یکسو خشونت شوهر علیه زن را در جامعه نهادینه می‌کند و از دیگر سو سبب کاهش مشارکت سیاسی از حد فعالانه به منفعلانه می‌گردد و از حیث روان‌شناسی اجتماعی افسردگی‌های مزمن، عدم خودباوری، جریحه‌دار شدن احساسات، استرس، خودکشی را به طرزی معنادار افزایش می‌دهد. (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۹) بنابراین آنچه در این گفتمان ساختارشکنی می‌گردد تعابیر پدرسالارانه است، ساختار شکنی پدرسالاری و تعابیر برخواسته از آن که همچون قلبی تپنده بر عرصه‌های مختلف جامعه و خانواده خودنمایی می‌کند از مهمترین اهداف این گفتمان محسوب می‌گردد. از جمله پیامدهای پدرسالاری نابرابری جنسی خواهد بود. (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۸۰) این گفتمان به دنبال برجسته‌سازی شایسته‌سالاری، تواناسازی زنان، ساختارشکنی و حاشیه‌رانی قرائت‌های پدرسالارانه و اقتدارگرایانه از دین و حکومت است، ورود زنان از حاشیه به متن از مهم‌ترین کارکردها و دستاوردهای این گفتمان است.

- هدف از ساختارشکنی از میان بردن ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است.
- مجموعه باورها، اعتقادات، نظام ارزشی، آداب و رسوم که در تعامل با هم فرهنگ پدرسالاری را پدید می‌آورند، ویژگی آن اقتدار پدر در قبال اعضای خانواده است. نظام پدرسالار علاوه بر خانواده، حکومت مردان جامعه را نیز می‌رساند و تنها در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی بلکه از بعدی تربیتی و فرهنگی نیز برخوردار است.

- هدف از ساختار شکنی از میان بردن ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است.

این رویکرد در تلاش است که با وضع قوانین، سیاست‌گذاری‌ها وضعیت اجتماعی زن به ویژه در زمینه‌های مشارکت سیاسی، اقتصادی را بهبود بخشند. آنها معتقدند که با توجه به تحولات یکصد سال اخیر زن ایرانی کاملاً متفاوت شده و نیازمند یکسری قوانین و مناسبات جدید اجتماعی است. (ناجی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۲۷) در شکل زیر مفصل‌بندی گفتمان اصلاحات ترسیم شده است.



مفصل بندی گفتمان اصلاح طلبی

گفتمان سنت‌گرایی فقهی

گفتمان سنت‌گرایی فقهی و طرفداران آن سعی می‌کنند منبع اصلی‌شان را خود سنت فقهی قرار دهند. وجه امتیاز جریان سنت‌گرایی فقهی آن است که اسلام را مناسب‌ترین نسخه دفاع از شخصیت و حقوق زنان می‌داند و بر این باور است که فقه اجتهادی یعنی احکام برخاسته از منابع معتبر و روش معقول و شرع، یگانه راه حل فطری برای مشکلات کنونی جوامع بشری است. در سنت‌گرایی از یک‌سو با عدم برخورد نقادانه با سنت و از سوی دیگر با ممانعت از ورود عناصر جدید به درون گفتمان نوعی

تکرار در آموزه‌های پیشین به چشم می‌خورد این گفتمان تنها از طریق نفی و تمایزگذاری با گفتمان‌های دیگر قابل شناسایی است. این دیدگاه در تحلیل مسائل جدید زنان با تاکید بر ثبات شریعت و تاثیر زمان و مکان موضوعات فقهی را مدنظر قرار داده و بر این اعتقاد است که برابری حقوق زن و مرد منافع زنان را تامین نمی‌کند و باید به تفاوت‌های طبیعی این دو جنس توجه داشت. (زیبایی‌نژاد، سبحانی، ۱۳۸۱: ۱۰۶) و به همین دلیل با هرگونه اصلاحات و تغییر و تحول اساسی در امور زنان مخالفتند. (ماشینی، ۱۳۸۷: ۴۴) یکی از دغدغه‌های این گفتمان بحث پیرامون بنیان‌های هستی‌شناختی زن است آنها بر این باورند که زن و مرد پیش از آنکه واجد هویتی جنسیتی باشند دارای هویتی انسانی می‌باشند و تقدم هویت انسانی بر هویت جنسیتی را امری برخواسته از تعقل و عقلانیت می‌شمارند. مرد و زن دو فرد از یک نوع با جوهر واحد هستند که همان انسان است و در ماده و جوهر هر انسان چه مرد و چه زن دو انسان شرکت دارند، هیچ یک از این دو بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا. (سوره حجرات، آیه ۱۳) شریعت اسلام در کرامت و حرمت اشخاص دارای فرقی بین زن و مرد نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۲) جایگاه زن در نظام هستی همان جایگاه انسان در نظام هستی است، یعنی همان جایگاهی را که مرد به عنوان انسان در نظام هستی دارد همان جایگاه را زن نیز در نظام هستی دارد. این نگرش به وجود تفاوت‌های زیستی در زن و مرد اعتراف می‌کند که برآمده از عوامل بیرونی، اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی نیست بلکه پاره‌ای از آنها ذاتی و ویژه هر یک از دو جنس است. (عطارزاده، ۱۳۸۳: ۲۴) و تعامل میان زن و مرد را با لحاظ کردن تفاوت‌های بیولوژیک و روان‌شناختی میان آنها مطمع نظر قرار داده است. (نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۶: ۵۷) به عبارت دیگر زن و مرد چه در بعد جسمی، روانی و احساسی با یکدیگر تفاوت دارند بنابراین زندگی زن احساس‌گرا و زندگی مرد اندیشه‌گرا است (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۸۱) بنابراین آنچه موجب می‌شود که این دو صنف در مسئولیت‌های اجتماعی موقعیت‌های گوناگونی پیدا کنند اختلاف آفرینشی است. (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۷۹) به عبارت دیگر قوانین اسلام خاستگاه فطری داشته و با صفات تکوینی انسان هماهنگ

است. (غزای، فرداد، ۱۳۸۰: ۱۹) فهرست تفاوت‌های طبیعی زن و مرد با تاکید بر تفاوت‌های ذهنی و روانی تکمیل می‌شود از دیدگاه اسلام و با توجه به مجموعه آیات و روایات و فهم بزرگان دین مرد از حیث قوه عقلانی استدلال و تدبیر در امور زندگی، اقتصاد و سیاست بر جنس زن برتری دارد. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳: ۲۰۷) در گفتمان سنت‌گرایی فقهی نشانه‌هایی مانند اسلام، خانواده، هویت انسانی، عواطف و احساسات، حجاب، نامحرم، تفاوت‌های ذهنی و فیزیکی حول دال مرکزی فطرت به طرز معناداری کنار هم مفصل‌بندی شده‌اند به گونه‌ای که فطرت نقطه مرکزی و نشانه برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند اساس بررسی بر این مبنا قرار دارد که تساوی حقوق میان افراد به معنای تشابه حقوقی میان آنها نیست بلکه مطابق با اصل عدالت و با توجه به تفاوت‌های موجود میان زن و مرد برای هر یک حقوق خاص تدوین می‌شود و تدوین حقوق مشابه برای زن و مرد به معنای عدم رعایت عدالت می‌باشد. مسئله تفاوت‌های فیزیکی و روحی در تفاوت‌های این دو جنس دو گونه انسان با حفظ انسانیت حکمت بالغه‌ای است که مسئله تقسیم مسئولیت هاست و این تقسیم مسئولیت‌ها ایجاب می‌کند تا چنین تفاوت‌های باشد. گفتمان سنت-گرایی فقهی در زمینه حقوق زنان بر این اصل استوار است که جنس زن از لحاظ ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناسی تفاوت‌هایی با جنس مرد دارد. این گفتمان معتقد است هیچ تبعیضی بین زن و مرد در اسلام دیده نمی‌شود و اگر در برخی احکام حقوق متفاوتی برای مردان و زنان در نظر گرفته شده، با توجه به شرایط نامساوی آن دو از حیث خصوصیات خلقتی و اجتماعی است که خود تکالیف متفاوتی را برای هر جنس موجب گردیده است. (جهانگردی، ۱۳۸۵: ۳۰)

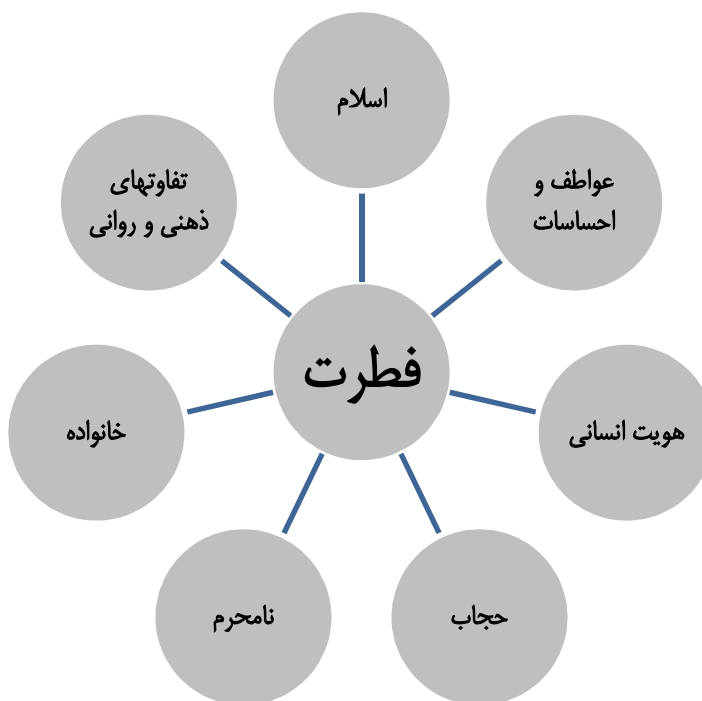
جدول شماره ۲: اهداف گفتمان سنت‌گرایی فقهی

<p>۱- ارزش انسان و سعادت وی در گرو ارتباط با خدا و غایات هستی تفسیر می‌شود.</p> <p>۲- جسم مادی برای تأمین نیازها و کمالات جاوید و دستیابی بهتر جامعه به سوی آرمان‌های الهی است.</p>	<p>هدف غایی</p>
<p>۱- تقدم هویت انسانی بر هویت جنسیتی</p> <p>۲- رسالت زنان ارائه جلال الهی در کسوت جمال دلپذیر رأفت و عاطفه و رسالت مرد ارائه جمال در جامه جلال و خردمندی است</p>	<p>هدف اختصاصی</p>
<p>۱- تناسب محوری با توجه به ویژگی‌های روان شناختی و زیست شناختی</p> <p>۲- تفاوت‌های میان دو جنس در راستای هماهنگی با نظام طبیعی</p> <p>۳- در توزیع مسئولیت‌های اجرای توجه به ویژگی‌های روانی- جسمی در نظر گرفته شده.</p> <p>۴- مکملیت زن و مرد و تقسیم منطقی وظایف در راستای رسیدن به اهداف مطلوب</p>	<p>روش‌های اجرا</p>
<p>۱- مقابله با مباحث انحرافی فمینیسم</p> <p>۲- ارائه الگوی بدیل از زن در زمینه حجاب</p> <p>۳- حفظ و قداست خانواده</p>	<p>فعالیت‌ها</p>

سیمای ارائه شده از زن و ترتیبات مختلفی که در رابطه با وضعیت او در گفتمان سنتی ارائه شده کاملاً متأثر از تاکید بر این تفاوت‌ها می‌باشد. بر اساس تمایزات فوق- الذکر حوزه خانواده از حوزه اجتماع تفکیک شده و تولیدکنندگان این گفتمان برای نقش زن در خانواده اهمیت زیادی قائل هستند. همچنین بر اساس تاکید بر اصل تحریک پذیری مرد و تحریک‌کنندگی زن در برخوردهای که میان این دو رخ می‌دهد، اصل بر جداسازی هر چه بیشتر این دو از یکدیگر در اجتماع و خارج از چارچوب خانواده قرار گرفته است. (نیکخواه‌قمصری، ۱۳۸۵: ۸۴) از نظر جایگاه و موقعیت زن و مرد در خانواده در این گفتمان نقش هدایت و کنترل خانواده بر عهده مرد است از سوی دیگر تاکید بر مقوله مادری، همسری به عنوان بهترین فعالیت ممکن برای زنان در این گفتمان است. (کسرای و دیگران ۱۳۸۳: ۲۷) به عبارت دیگر مسئله زیاد بودن عواطف در زنان و ضعف جسمی آنها و تاکید بر این موارد نقش عمده‌ای در تقسیم کار خانواده ایفا می-

نماید. براساس ایه ۳۴ سوره نساء (الرجال قوامون على نساء بما فضل الله بعضهم على بعض و...) مردان را بر زنان تسلط و حق نگرهبانی است به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته. قییم بودن مردان بر زنان عمومیت دارد و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست چنان نیست که مردان تنها بر همسر خود قیومیت داشته باشند بلکه تولیدکنندگان این گفتمان معتقدند زنان به علت اینکه از طبع لطیف‌تر و ظریف‌تری برخوردار هستند نمی‌توانند در تمام عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. (محمدی اصل، ۱۳۸۲: ۱۳۵) محدودیتی که زن در اسلام دارد در سه موضوع تعقلی است که اسلام زمام آنها را به دست تعقل سپرده که از محیط عاطفه و احساس جدا شود و موضوعات سه‌گانه نامبرده. (حکومت، قضاوت، جهاد) می‌باشد. به اعتقاد ایشان طایفه مردان به داشتن عقل نیرومندتر و ضعف عواطف ممتازتر از زنان هستند و زنان به داشتن عقل کمتر و عواطف بیشتر ممتازتر از مردانند. (طباطبایی بی تا، ج ۴: ۵۴۸) و قوامیت بر زنان را در همه حوزه‌های حیات اجتماعی برداشت می‌کنند پس آن جهات عمومی که عامه مردان در آن جهات بر عامه زنان قیومیت دارند عبارت است از حکومت، قضاوت، جهاد. بنابراین شاهد برجسته‌سازی نقش زن در خانواده و حاشیه‌رانی نقش او در اجتماع به دلیل ویژگی‌های روان شناختی و فیزیولوژیکی هستیم.

بر اساس گفتمان سنت‌گرایی فقهی یگانه مرجع صالح جهت وضع قوانین بشری منبع وحی شناخته شده و نمی‌توان دین‌مداری و دین‌داری را که از تبعات تسلیم محض در برابر مذهب است به پناه بردن دین و حفظ موقعیت مردسالارانه در پوشش مذهب تعبیر نمود. (ناجی‌راد، ۱۳۸۲: ۶۴)



مفصل بندی گفتمان اصول‌گرایی

نتیجه‌گیری

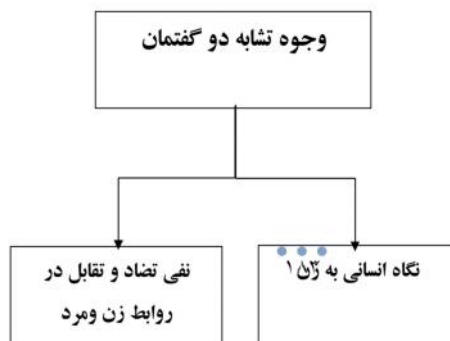
پس از توصیف و بررسی صورت‌بندی هر یک از گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و سنت-گرایی فقهی اکنون به مقایسه دو گفتمان پرداخته خواهد شد. گفتمان‌ها را براساس سلطه بر محیط اجتماعی می‌توان به دو دسته گفتمان‌های حاضر و گفتمان‌های مدعی تقسیم نمود. گفتمان‌های حاضر گفتمان‌هایی هستند که بر بخش یا بخش‌هایی از حوزه-های اجتماعی سلطه دارند و از امکانات موجود برای باز تولید حقیقت بر ساخته خود استفاده می‌کنند اما گفتمان مدعی فاقد تسلط بر بخش یا بخش‌هایی از اجتماع است همچنان که در گفتمان اصلاح‌طلبی و سنت‌گرای مشاهده شد گفتمان سنت‌گرایی با

رجوع به منابع کتاب و سنت بعد از انقلاب جزء گفتمان‌های مسلط ساختارسیاسی ایران بود، در صورتیکه گفتمان اصلاح‌طلبی تنها در یک مقطع هشت ساله توانست هژمونی خویش را تثبیت نماید بر این اساس هر گفتمان اگر قادر باشد دال‌های شناور در محیط خود را جذب و مفصل‌بندی نماید و مفصل‌بندی‌های سایر گفتمان‌ها را واسازی نماید قابلیت بیشتری برای تداوم خواهد داشت. همانطور که در گفتمان سنت‌گرایی بیان گردید این گفتمان معتقد به تقدم هویت انسانی بر هویت جنسیتی است. اسلام تشخیص می‌دهد که انسانیت یک نوع واحد ممتاز است و مرد وزن هر دو انسانند و در عین حال که از جهت نری و مادگی متفاوتند از جهت انسانیت هیچ فرقی با هم ندارند، این طرز تفکر در حوزه‌های عینی‌تر حقوق زنان باز تولید نمی‌شود بلکه بر تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان تاکید ورزیده و نظام حقوق اسلام را توضیح داده و تفسیر می‌کند و تنها به توجیه این حقوق از طریق اطلاعات فیزیولوژیست و روان‌شناسی می‌پردازد. از سوی دیگر گفتمان اصلاح‌طلبی معتقد است که مسئله احقاق حقوق زنان دارای ارتباطی تنگاتنگ با مسئله دموکراسی و آزادی فردی است. چرا که گسترش آزادی و دموکراسی می‌تواند بستر ساز برابری و تساوی حقوقی افراد جامعه از جمله زنان باشد این جناح ضمن پذیرش تفاوت‌های زیست‌شناختی و روان‌شناسی میان زن و مرد معتقدند این تفاوت‌ها نباید موجب تفاوت در مناسبات میان زن و مرد و حقوق و قوانین دو جنس گردد به عبارت دیگر این تفاوت‌ها نباید به تقسیم فرصت‌ها به گونه‌ای نابرابر و براساس نقش‌های تکوینی زن و مرد بیانجامد.

جدول شماره ۳: وجوه تفاوت گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی

گفتمان سنت‌گرایی فقهی	گفتمان اصلاح‌طلبی
۱- تخصیص نقش‌ها متناسب با ساختار وجودی هر دو جنس ۲- عدم مشارکت در تمام حوزه‌ها اختصاص حکومت، قضاوت و جهاد به مردان (موافق فطرت) ۳- زنان احساس‌گرا، مردان اندیشه‌گرا	۱- مبارزه با تفکیک جنسیتی در مشاغل ۲- مشارکت در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ۳- تفاوت در نقش‌ها محصول نظام پدرسالار ۴- تفکیک نقش‌ها باعث شکاف میان دو جنس و تبعیض جنسی

برجسته‌سازی سنت و حاشیه‌رانی سنت	برجسته‌سازی سنت و حاشیه‌رانی تجدد
عدم تفکیک حوزه خانواده و اجتماع	تفکیک حوزه خانواده و اجتماع
سنت (دگر) مدرنیته (خودی)	مدرنیته (دگر) سنت (خودی)
برابری جنسیتی	تنا سب
پذیرش نظریه جنسی و جنسیتی	پذیرش نظریه جنسی
عنصر زمان و مکان (اجتهاد پویا و نوین، ایجاد تغییر و تحول در حقوق زنان)، احکام تابع شرایط زمانه	فرازمانی و فرامکانی (تغییر احکام شریعت بر جامعیت و خاتمیت اسلام مهر بطلان می زند). مناسبات اجتماعی را متناسب با احکام و ارزش‌های الهی برنامه ریزی نمود. (برخی از حقوق زنان ابدی و غیرقابل تغییر است. تلاش برای به هم ریختن معادله خلاف ناموس طبیعت)
زدودن فرهنگ پدرسالار بر پایه آموزش	استعدادها و ظرفیت‌های زن و مرد منشأ تفاوت‌های حقوقی
۱-اصالت به دین اسلام ۲-پذیرش دستاوردهای مثبت مدرنیته	مبنا قرار دادن کتاب و سنت
برابری جنسیتی باعث دسترسی عادلانه به امکانات می‌گردد.	برابری جنسیتی باعث عدم توجه به ارزش‌ها و ویژگی‌های زنانه می‌گردد.
تحکیم و تقویت خانواده هدف: تعادل میان خانواده و اجتماع (عدم ایجاد احساس فرادستی و فرودستی)	تحکیم و تقویت خانواده هدف: اولویت به نقش مادری، همسری و تربیت نسل سالم (نقش‌های متفاوت سبب فرادستی و فرودستی نمی‌گردد)



به نظر می‌سد با توجه به رشد کمی و کیفی زنان و حضور آنها در سطح جامعه ضروری است که به مسائل آنها به عنوان امری دارای هویت ویژه و خاص نگریسته شود و با توجه به شرایط فرهنگی و ساختار اجتماعی جامعه ایران موثرترین روش برای اصلاح، بهبود و احقاق حقوق زنان شیوه تدریجی و گام به گام است.

برای دستیابی به چنین هدفی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- . ایجاد محیطی مناسب جهت ارتقای فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های اقتصادی مولد برای زنان
- . حمایت از فعالیت‌های فردی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، علمی، اقتصادی
- . به رسمیت شناختن مقام و منزلت زن در ابعاد نظری و عملی با اتخاذ سیاست‌های مثبت جهت حمایت و تقویت مشارکت زنان در کلیه سطوح اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی
- . تلاش در جهت تغییر و تحول در نگرش خانواده‌ها نسبت به پسران و دختران با بهره‌گیری از مطبوعات و رسانه‌های گروهی، تغییر و تحول در نظام آموزشی جنسیتی (بازنگری و تغییر کتب درسی) موجود در مدارس و مراکز آموزشی

منابع

- (بی‌تا)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۴، دفتر انتشارات اسلامی
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی
- تشکری، زهرا (۱۳۸۱)، زن در نگاه روشنفکران مرکز مدیریت حوزه های علمیه: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم: طه
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، زن در آیینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء
- جهانگردی، محسن (۱۳۸۵)، بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد، قم: موسسه بوستان کتاب
- خاتمی، محمد (۱۳۷۹)، انسان ملتقای مشرق جان و مغرب عقل، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، وزارت امور خارجه
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت گفتمان زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷)، زن در قرآن، نشر هاجر
- لعلی، مسعود (۱۳۷۸) خاتمی از چه میگوید، تهران: نشر آزادی اندیشه
- مهریزی، مهدی (۱۳۷۷)، زن، قم: نشر خرم

- ناجی راد، محمد علی (۱۳۸۲)، موانع مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: نشر کویر

- نعمتی پیر علی، دل آرا (۱۳۸۶)، شخصیت زن در قرآن و کتاب مقدس، قم: نشر مجنون

- نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۸۴)، تحول نگرش نسبت به زن و تاثیر آن در انقلاب اسلامی: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

مقالات

- اسفند (۱۳۸۷) دیروز، امروز، فردای ایران در آینه اصلاحات، ماهنامه سیاسی فرهنگی، آیین ۱۹ و ۲۰

- خلیلی، محسن (پاییز ۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی زنان در جامعه معاصر ایران، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۲

- (۱۳۸۳) تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصلنامه علوم سیاسی،

شماره ۲۸

- سلطانی، محمد علی (۱۳۸۱)، سیمای زن در المیزان، مجله قرآن و حدیث، بیناب، شماره ۳۱

- فرداد پروانه و زهیر غزآوری، بهار (۱۳۸۰)، زن در سازواره جامعه‌شناختی المیزان، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۹

- قمصری نیکخواه و محمد کسرائی، مژگان دستوری (۱۳۸۲)، نگاهی به گفتمان فمینیستی در آمدی بر مشارکت زنان در انقلاب اسلامی، مقالات برگزیده اساتید در دومین همایش جهانی زنان

- ماشینی، فریده، مرداد (۱۳۸۷)، ضرورت طرح زن و نواندیشی دینی: منظری زنانه، ماهنامه سیاسی، فرهنگی، آیین ۱۵، شماره ۱۵

- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۲)، جنسیت و مشارکت در آمدی بر جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان ایرانی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان

- مصفا، نسرین (۱۳۸۰)، میزگرد زنان در خاورمیانه، تجربه ایرانی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه‌ای، سال هشتم، شماره ۲۰

مک‌دائل، دایان (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان

- میلر، سارا (۱۳۸۲)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، نشریه زنان هزاره سوم

- هوارث، دیوید (۱۳۸۲)، نظریه گفتمان، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲

منابع انگلیسی

-Jorgensen, M, Philips, **L.Discourse Analysis theory a method**, London: sage Publications

-Foucault,.(1997)**The Archaeology Of Knowledge**,ty,A.mSherida